

■ نقد و بررسی نامه ارسالی شاهوردی خان، خان گنجه به دولت عثمانی (با تأکید بر روابط ایران)

مظاهر صلحی | محمد عزیز نژاد | میرصمد موسوی

■ چکیده

هدف: هدف از این مقاله نقد و بررسی نامه ارسالی شاهوردی خان، خان گنجه به دولت عثمانی و با تأکید بر روابط ایران است.

روش/رویکرد پژوهش: این پژوهش با تکیه بر اسناد و مدارک و با رویکرد توصیفی - تحلیلی به نقد و بررسی این نامه پرداخته است.

یافته‌ها و نتایج: پس از فروپاشی دولت صفوی برخی از ایالت‌های منطقه قفقاز به فکر تجزیه طلبی و جدایی افتاده و تلاش‌های زیادی را برای بدست آوردن استقلال از خود نشان دادند. یکی از این ایالت‌ها، ایالت گنجه بود که به مرکز رقابت دو حکومت ایران و عثمانی در منطقه تبدیل گشت. در این زمان، حکومت روسیه تزاری، برای نفوذ و تسلط بیشتر در این منطقه، افزایش ارسال سفیر و ایلچی را در دستور کار خویش قرار داد. این اقدام روسیه، ایالت گنجه را وارد یک رقابت سه‌جانبه، مابین قدرت‌های روز آن دوره یعنی (روسیه، ایران و عثمانی) کرد. در دوره تاریخی مورد نظر چهارمین مرکز قدرت در منطقه، خانات و زمین‌داران محلی بودند. این ممالک در یک پروسه رقابتی سه‌جانبه، با نیت حفظ استقلال و حاکمیت محلی خویش در فکر پیوستن به یکی از این قدرت‌های بزرگ بود. عملکرد خانات گنجه به ویژه شاهوردی خان در راستای تحکیم روابط خویش با دولت عثمانی و الحاق این ایالت به دولت عثمانی با استناد به نامه مذکور موضوع این پژوهش است.

کلیدواژه‌ها

ایران/خانات گنجه/عثمانی/قفقاز/شاهوردی خان

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و سوم، دفتر دوم، (تابستان ۱۳۹۲)، ۶۸-۸۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۱ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۱۳

نقد و بررسی نامه ارسالی شاهوردی خان، خان گنجه به دولت عثمانی (با تاکید بر روابط ایران)

مظاهر صلحی^۱ | محمد عزیز نژاد^۲ | میرصمد موسوی^۳

مقدمه

با زوال حکومت صفوی و مقارن با اواخر عمر این سلسله ایرانی، در اراضی ایالت‌هایی چون شروان، گنجه، و ایروان با چند نمونه از حکومت‌های مستقل محلی مواجه هستیم که به دست خانات اداره می‌شدند.^۴

در این بین، خانات گنجه از موقعیت خاصی برخوردار بود. اداره این ایالات بر عهده خاناتی بود که از طرف صفویان تعیین می‌شد (رهربرن، ۱۳۵۷، صص ۶۲-۶۸؛ نوایی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۷). در نیمه دوم قرن هجدهم، شخصی از نسل شیخ ضیاءالدین، به نام شاهوردی خان، توانست حکومتی محلی را در آنجا بنیان نهد. اما از همان ابتدا، و از تاریخ تأسیس این خانات در گنجه، با مشکلات و بحران‌های داخلی و خارجی مواجه شد (صفی پور، ۱۳۷۷، صص ۹۷-۱۰۲).

در زمان حکومت صفویان، از جمله مهم‌ترین تهدیدات داخلی که موجودیت این خانات را نشانه رفته و در معرض خطر قرار می‌داد، زمین‌داران محلی بودند که با سرکشی و نافرمانی در جای‌جای ایالت گنجه و توابع آن اقتدار و استقلال این خانات را با مشکل مواجه می‌ساختند.

تهاجم نیروهای افشاریه از سوی مرزهای ایران و همچنین تزارها از سوی سرحدات امپراتوری روسیه از بارزترین تهدیدات خارجی خانات گنجه بود (تاجبخش، ۱۳۶۲، صص ۵-۹). این وضعیت تهدیدآمیز، بدون شک، نظر شاهوردی خان حاکم گنجه را به نیروی سوم معطوف می‌ساخت تا برای ایجاد توازن قوا در منطقه و نیز حفظ استقلال خویش از باب عالی استانبول کمک بگیرد. او در این فکر بود تا با عادی‌سازی روابط

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره

اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پارس آباد
مغان، گروه تاریخ، پارس آباد مغان،
ایران (نویسنده مسئول)

m.solhi90@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی

دانشگاه تبریز،

Maziznejad63@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی

دانشگاه پیام نور و عضو هیئت علمی

دانشگاه پیام نور

m.samsd59@gmail.com

۴. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به حواشی و

تعلیقات مینورسکی در تذکره الملوک

سیاسی و نظامی با دولت عثمانی تهدیدات داخلی و خارجی را خنثی ساخته و یک متحد قوی برای خویش پیدا کند.
موضوع اصلی این مقاله تحلیل سیاست اتخاذ شده از سوی شاهوردی خان خان گنجه است.

پرسش‌های پژوهش

۱. قبل از شروع مناسبات سیاسی خان گنجه با دولت عثمانی، روابط طرفین در چه سطحی قرار داشت؟
۲. چه عواملی شاهوردی خان را به برقراری روابط سیاسی با دولت عثمانی سوق داد؟

پیشینه پژوهش

مورخانی از جمهوری آذربایجان و ترکیه به بررسی دوره‌های حکمرانی خانان در ایالات و منطقه قفقاز پرداخته‌اند.

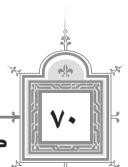
مهمت علی چاکماک، در رساله دکتری خود به روابط فیما بین امپراتوری عثمانی و خانان قفقاز در فاصله سال‌های ۱۷۲۳-۱۸۲۹ پرداخته، که دارای اهمیت علمی بسزایی است (cakmak, 1996, pp.97-103).

توفیق مصطفی زاده مناسبات سیاسی آذربایجان و عثمانی را در فواصل قرن‌های ۱۸-۱۹ مورد تحقیق قرار داده است. وی، در فصل چهارم کتاب خویش به روابط و مناسبات میان خانان گنجه با دولت عثمانی پرداخته است (Mustafazad, 2002, p.5).

علاوه بر این تحقیقات، اسنادی نیز در آرشیو عثمانی موجود است که روابط و مناسبات دوستانه و علاقه‌مندی خانان گنجه را با دولت عثمانی به اثبات می‌رساند. قسمت‌هایی از این اسناد را که در آرشیو عثمانی کشور ترکیه موجود است، اداره اسناد و مدارک مکتوب این کشور به صورت دو جلد کتاب به چاپ رسانده است. البته، کتاب مذکور، به‌طور کلی اسناد خاصی را که مربوط به موضوع مورد بحث این پژوهش باشد ندارد. محتویات کتاب فوق به‌گونه‌ای است که فقط در چند صفحه از آن اشاره‌ای به مناسبات خان‌نشین‌های گنجه و دولت عثمانی شده و به اختصار شرحی از آن به‌میان آورده است (Gurulkan, Cinar, Genc, 2009, pp.140-143, 166).
در اسناد بایگانی عثمانی، که به صورت گلچین جمع‌آوری و چاپ شده، اسناد مهم و ارزشمند دیگری نیز موجود است که بدون شک مطالب مفیدی را در اختیار می‌گذارد. اما آنچه به این موضوع مربوط می‌شود ناچیز است و در حد اختصار بدان پرداخته شده است.

در آرشیو عثمانی، مجموعه‌های مختلفی از اسناد وجود دارد که متعلق به دیگر خانان

1. Mehmet Ali Çakmak



آذربایجان است. این اسناد اوضاع اجتماعی و سیاسی را در مواجهه با حکومت‌های همجوار چون ایران، روسیه، گرجستان، و دولت عثمانی نشان می‌دهد. (Demir, Demirba) (Yıldırım, Demirel; Arslan, Yavuz; Serin, Yıldırım, 1992, c, 1).

این اسناد مهم کمتر مورد توجه پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است. در بررسی روابط خانات گنجه با دولت عثمانی، سندی مکتوب در آرشیو اسناد عثمانی حفظ و نگهداری می‌شود که دارای اطلاعات مفید و گرانبهایی است.

محتویات نامه

نامه‌ای که موضوع اصلی و اساسی مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد، نامه‌ی مکتوبی است که در آرشیو دولت ترکیه وابسته به نخست‌وزیری آرشیو عثمانی حفاظت و نگهداری می‌شود. با این خصوصیات، نامه‌ی خان گنجه، شاهوردی خان، و خواسته‌هایش از دولت عثمانی در دو سند مکتوب به صورت دستنوشته موجود است.

نسخه اول، سند اصلی نامه است که تحریر آن به تاریخ «۱۱۶۵ هـ ق - اول رجب» (BOA, HAT (Hatt-ı Hümayun), No: 5/153) و نسخه دوم، خلاصه نسخه اصلی است که بر روی آن تاریخ «۱۱۶۵ هـ ق - ۲۱ شوال» درج شده است (BOA, HAT, No: 7/224). به طور واضح، تاریخ تحریر این سند، مربوط به دوران حکومت سلطان محمود دوم عثمانی (۱۷۳۰-۱۷۵۴) است. سند دیگر نیز که خلاصه نسخه اصلی است، نامه‌ای بوده که صدر اعظم وی، یعنی کوسا باغیر مصطفی پاشا (۱۷۵۲-۱۷۵۵) نوشته است.

نامه خان گنجه، به زبان و خط ترکی عثمانی در سطح دیپلماتیک آن روزگار نوشته شده است. نزاکت، اصول، قاعده، و قوانین دیپلماسی در نگارش نامه رعایت شده است (Cakir, 2003, pp. 132-137). خان، بعد از ایراد شأن و شرف و مدح و ستایش و اصول رسمی اولیه، جملات آغازین خویش را با خیر و دعا و سلام ادامه می‌دهد. در ادامه، به یادآوری مناسبات و روابط دوستانه گذشته و علاقه‌های دو طرف در ایجاد رابطه می‌پردازد. در قسمت بعدی نامه، خان، مطالبات خویش را و آنچه لازم و ملزوم بوده از دولت عثمانی خواسته و با ذکر مشکلات از باب عالی استمداد می‌جوید. در پایان نامه، تاریخ تحریر مکتوب و نام و شهرت مؤلف آن در اسلوب رسمی نگارش نامه آمده است.

خان گنجه پس از رعایت مناسبات رسمی و ادبی در نگارش نامه، یادآور می‌شود که وی از نسل شیخ ضیاءالدین است. خان، اعلام می‌دارد که اداره ایالت گنجه را به شرط «واجبلیق»^۱ بودنش در اختیار اولاد ضیاءالدین قرار گرفته است. در ادامه جنگ‌های ایران و عثمانی، علاوه بر مناطق شروان، شماخی، و تغلیس، اراضی

۱. عبارت از مواعبی بود که از عایدات برخی ولایات اخذ و به برخی محافظان و والیان داده می‌شد (گوگچه، ۱۳۷۳، ص ۳۵).



گنجه نیز مورد مناقشه دو طرف بود و خان متذکر می‌شود که اداره این ولایت را به والی دولت عثمانی، صارو مصطفی پاشا، سپرده بوده است (لاکهارت، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷). بدین لحاظ در آن دوره حاکمیت عثمانی را پذیرفته بود.

اما پس از اینکه طهماسب قلی خان (نادرشاه افشار) در ایران ظهور کرد، حوادثی به وقوع پیوست که باعث شد دولت عثمانی از مناطق مذکور عقب نشیند (نقیب زاده، ۱۳۸۲، ص ۳۷). در نتیجه این تغییر و تحولات سیاسی در منطقه قفقاز، خان می‌نویسد که اداره ولایت گنجه را بار دیگر برعهده گرفته است. او بیان می‌کند که ولایت‌های تابعه گنجه، که با ولایت قارص از ولایات عثمانی همسایه بوده، روابط همجواری خوب و مسالمت‌آمیزی داشته‌اند. خان در ادامه، به رفت و آمد آسان بازرگانان عثمانی از ارزروم، به گنجه و تجارت آنان اشاره دارد. شاهوردی خان، با استناد به آیه «اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم» به وفاداری‌اش در قبال دولت عثمانی سوگند یاد می‌کند و از این دولت برای به رسمیت شناخته شدن حاکمیتش در گنجه توسط اهالی و ساکنان اطراف ولایات تابعه، از باب عالی «امری شریف» را خواستار می‌شود که نوعی مشروعیت صادره از سوی دولت عثمانی برای حکام ایالات بود. وی، با این دلایل، خواسته‌های خویش را به اطلاع صدراعظم دولت عثمانی رساند و از او می‌خواهد واسطه‌ای برای دریافت «امر شریف» از سلطان عثمانی باشد. در محتویات مکتوب به کلمه «اوجاقلیق» اشاره شده که آن را اولاد و نوادگان شیخ ضیاءالدین برعهده داشتند. شاهوردی خان، بار دیگر، حق حاکمیت خود را با استناد به این موضوع خواستار می‌شود.

در تاریخ میانه و در بین حکومت‌های شرقی و به‌خصوص در حکومت عثمانی به مواردی از حکومت‌های محلی چون اوجاقلیق برمی‌خوریم، که اداره یک منطقه یا ایالت را در اختیار شخص متنفذ و یا خانواده‌اش قرار می‌دادند. اوجاقلیق‌ها، این مناطق را به طور موروثی و نسل به نسل اداره می‌کردند و در مقابل هرگونه تهاجمی حالت تدافعی به خود گرفته و جانانه از سرحدات حکومت خویش و امپراتوری عثمانی حفاظت می‌نمودند. در بیشتر مواقع، برای دفاع از هجوم دشمنان با جنگ و گریز آنها را درگیر ساخته و با این حالت ایستادگی می‌کردند. اوجاقلیق‌ها، غافلگیرانه وارد صحنه‌های نبرد شده و دشمنان را تا رسیدن سپاه اصلی و نیروی کمکی در میدان جنگ مشغول می‌ساختند (cakmak, 1996, pp.89-93; kilic, 2001, pp.257-274; 2007, pp.317-318).

این وضع حقوقی اوجاقلیق، تنها مختص خانان گنجه نبود، بلکه دیگر خانان قفقاز نیز از نقطه نظر اهمیت سیاسی برای دولت عثمانی از این امتیاز سیاسی حقوقی نیز بهره می‌بردند. به عنوان نمونه، می‌توان به «سرخای خان» اشاره کرد که در درگیری‌های ایران

و عثمانی، در قبال خوش خدمتی‌هایش نسبت به دولت عثمانی، مورد مرحمت و احترام باب عالی قرار گرفت و مقام او جاقلیق ایالت شروان را برای خود و فرزندانش به دست آورد (BOA,CH,No:4546).

در مثال مشابه دیگر، به سندی در آرشیو عثمانی برمی‌خوریم که در آن گروهی از اعیان و اشراف شکی، برای اینکه حاکم نوقا (شکی) به نام «حاجی چلپی» را خان خود قلمداد کنند، به دولت عثمانی نامه نوشتند، و در قسمت بالای این نامه در مورد خان «قاراقایتاق» به نام «احمدخان» اطلاعاتی را ارائه می‌دهند که در آن از دولت عثمانی می‌خواهند تا عنوان خانی را به حاجی چلپی عطا کرده و حق خانی او را با دادن مشروعیتی به رسمیت بشناسند (BOA,HAT,No:37263-8,pp.413-415).

با مقایسه این مثال‌ها مشخص می‌شود که خانان و اوضاع حقوقی و مسئله مالکیت آنها از موضوعات مهمی بوده که نمی‌توان از کنار آنها گذشت. بر این اساس عنوان خانی، به یکی از اعیان و بزرگان این مناطق داده می‌شد یا اینکه یک خانواده سرشناس و پرنفوذ که از گذشته با عنوان او جاقلیق در آنجا حکمرانی می‌کرد، مشروعیت دوباره به دست می‌آورد تا بار دیگر موقعیت ارزشمند خود را که از طرف دولت مرکزی حمایت می‌شد به دست آورند (Kilic,1999,pp.119-137).

شاهوردی خان، در مکتوبش، اعطای مقام او جاقلیق را یادآور و متذکر می‌شود که این مقام به اجداد او اعطا شده و با درخواستی متفاوت، حق مشروع حاکمیتش را خواستار می‌شود. در اواسط نامه، بعد از اعلام نیت و افکارش چنین می‌نویسد که مردم مناطق اطراف و اکناف، زمین‌داران محلی و اشراف حق حاکمیتش را زیر پا می‌گذارند. به سبب نفوذ قدرت‌های سیاسی بزرگ در منطقه، نمی‌شد برای تأسیس و تعیین حاکمیت مطلق در این خانان کاری از پیش برد و هر تلاشی در این راه غیرممکن، بیهوده، و بی‌نتیجه بوده است. بدین جهت، خان گنجه با مراجعت به نیروی سوم قدرتمند در منطقه و قبول حاکمیت آن، از دولت عثمانی برای به اطاعت در آوردن ممالک و مناطق تابعه، از ایشان حکم مشروعیت یعنی «امری شریف» می‌طلبد.

به احتمال زیاد، باب عالی در جواب خواسته خان گنجه، نامه‌ای را نوشته و پاسخ داده که وجود این نامه می‌توانست کلید تمام ابهامات بعدی در این موضوع باشد. اما با وجود جست‌وجو در شعبه اسناد آرشیوی عثمانی نخست وزیری جمهوری ترکیه و موزه توقیعی سرای استانبول هیچ سندی دال بر پاسخ نامه خان گنجه از سوی دولت عثمانی یافت نشد. گرچه می‌توان در خصوص جوایبه دولت عثمانی به نامه شاهوردی خان با نگاهی ژرف و عمیق به خلاصه نسخه نامه، که به صدر اعظم تقدیم شده به ابهامات موجود در این باره پاسخ

داد. با نظر به قیودی که در قسمت ترجمه خلاصه نسخه آمده، به نظر می‌رسد که پس از تقدیم نامه خان به صدر اعظم، نامه وی مورد بررسی و خواسته‌هایش مدنظر قرار گرفته و دستور داده شده تا جواب نامه از طریق ایلیچی مخصوص خان گنجه به نام «محمد بیگ» ارسال گردد. طبق روال اداری و رسمی دربار عثمانی، خلاصه نامه به همراه نسخه‌ای که در آن افکار و برداشت‌های صدر اعظم نوشته شده، تقدیم سلطان عثمانی می‌شد. در اسنادی که در بایگانی اسناد و مدارک عثمانی جمع‌آوری شده، سندی که بتواند افکار سلطان را در باب جوابیه این نامه نشان دهد، یافت نشد. البته، باید اضافه کرد که، در قرن هجدهم، در تمامی مسائل مهم و نیز در سیاست داخلی و خارجی دولت عثمانی، به نظر و اقدامات صدر اعظم، به خصوص به برداشت‌های وی درباره موضوعات رخ داده، از سوی سلطان صحنه گذاشته می‌شد، به طوری که نظریات وی مورد قبول شخص سلطان بود (یاغی، ۱۳۷۹، صص ۷۱-۷۲). به هر حال، خلاصه متن نامه خان گنجه که تقدیم صدر اعظم شده سیاست دولت عثمانی در قبال خانات گنجه و علاقه ایشان را در ایجاد روابط دوستانه و صمیمی با این خان‌نشین به نمایش می‌گذارد.

در این دوره، دولت عثمانی اراضی خانات گنجه را جزء حدود و سرحدات ایران پذیرفته بود. علاوه بر این، با استناد به شروط معاهده صلح آماسیه (۱۵۵۵ م.) حاکمیت ایران بر این مناطق به اثبات رسیده بود (سیوری، ۱۳۸۰، صص ۶۲). اما دولت عثمانی در این فکر بود تا با لغو معاهده فوق نیت خویش را عملی سازد، و اقداماتش را حق طبیعی خویش قلمداد می‌کرد و از لحاظ حقوقی آن را بلامانع تصور می‌نمود (نوایی، ۱۳۷۷، صص ۲۵-۲۷). اما از آنجاکه در خلاصه نسخه قید شده، دولت عثمانی «شاهوردی خان» را به صورت غیررسمی پذیرفته و چنین برمی‌آید که آنها وی را به شکل ساده فقط به عنوان خان گنجه قبول کرده بودند؛ زیرا در نوشته‌های متعلق به صدر اعظم، وی نام «شاهوردی خان» را در حالی که از نسل ضیاءالدین بوده - به شکل «خان گنجه، شاهوردی خان»، معرفی و ذکر می‌کند.

نتیجه‌گیری

مناسبات فیما بین گنجه و دولت عثمانی در دوره حکمرانی شاهوردی خان شکل جدیدی گرفت. در تحکیم این روابط، خانات گنجه، گام‌های نخست را استوارتر و مؤثرتر از عثمانی برداشتند.

از عواملی که شاهوردی خان را واداشت تا چنین گام‌های سیاسی را بردارد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

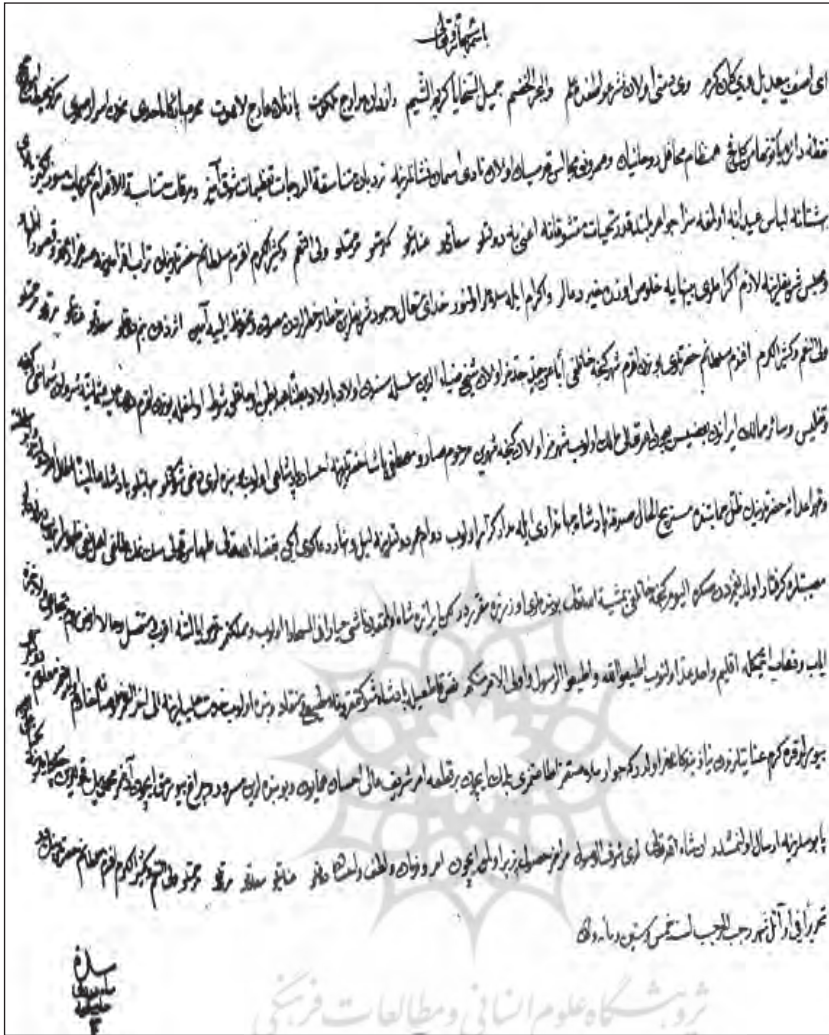
۱. شاهوردی خان با استناد به حق مالکیت اولاد ضیاءالدین در ادوار گذشته، با عنوان

مقام او جاقلیق، امید داشت تا بار دیگر حاکمیت خویش را در ایالت گنجه مشروعیت بخشد.

۲. مورد بعدی اینکه، وی در نظر داشت اراضی و ممالک تابعه ایالت گنجه و نیز اطاعت زمین‌داران و اشراف را در این مناطق تحت اداره و زیر پرچم حاکمیت خویش درآورد و برای این کار مشروعیت بزرگی را از سوی دولت عثمانی خواستار بود. شاهوردی خان، برای ایجاد حکومت مرکزی در ایالت گنجه در حرکتی دیپلماتیک در نظر داشت با پیش کشیدن موضوع ضیاءالدین و اداره این ولایت در ادوار گذشته از سوی آنها، موضوع را به نفع خویش به اتمام رساند.

۳. تهدیدات خارجی باعث گردید تا شاهوردی خان به سوی دولت عثمانی ترغیب شود. تهدیدات روسیه و ایران در برهه تاریخی مورد نظر، بیش از پیش احساس می‌شد به گونه‌ای که خان گنجه را به تکاپو انداخت تا برای جلب حمایت دولت عثمانی دست به کار شود. تمایل شاهوردی خان به دربار عثمانی نشان از ضعف او در قبال این تهدیدات و خلأ قدرت به وجود آمده در این محدوده بود؛ پس، خان، برای مقابله با قدرت و نفوذ بیش از حد روسیه و ایران در ایالت گنجه، به دنبال نوعی ایجاد توازن قدرت و دور کردن بحران‌های موجود از منطقه تحت حاکمیتش بود.

سیاست اتخاذ شده از سوی خان گنجه در قبال دولت عثمانی، نتیجه موفقیت‌آمیزی را در بر نداشت؛ چرا که در نامه شاهوردی خان، به هیچ‌یک از خواسته‌های او پاسخ مثبتی داده نشد. چنین برمی‌آید، که در منطقه گنجه، حاکمیت اولاد ضیاءالدین در قالب حکومت محلی او جاقلیق، از طرف دولت عثمانی در یک روال دیپلماتیکی و سیاسی رد شده باشد. بدین سبب، از گذشته برای اینکه بتوان مناطق و ایالاتی را که از توابع گنجه محسوب می‌شده زیر لوای حاکمیت خان درآورد، نیازمند «امری شریف» از سوی دولت عثمانی بود، تا مشروعیت این خانات تضمین گردد؛ به نحوی که در این ایالات، اراضی و ممالک تابعه آن، هر خانی که ادعای حاکمیت داشت، نمی‌توانست یک حکومت مرکزی و محلی قوی در آنجا تأسیس کند. براساس حوادث و رویدادهای تاریخی که در این دوره به وقوع پیوست می‌توان چنین برداشت کرد که در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹، اوضاع سیاسی و اجتماعی این مناطق در شرایط بحرانی قرار داشت و رقابت سه‌جانبه روسیه، ایران، و عثمانی نهایتاً با نفوذ و قدرت گرفتن روسیه به پایان رسید.



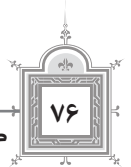
تصویر ۱

نسخه اصلی نامہ لاسالی شاہوردی خان
بہ دولت عثمانی

بازخوانی نسخه اصلی نامہ شاہوردی خان بہ دولت عثمانی

۱. بسمی سبحانہ و تعالیٰ
۲. ای اصف بیعدیل وی کان کرم وی دستی اولان نشر عواطفہ علم و البحر الخصم جمیل السخایا کریم الشیم. رازدان مدارج ملکوت پازنان معارج لاهوت محرم بارگاہ احدی مخزن اسرار صمدی مرکز محیط امواج.
۳. نقطہ دائرہ یاقوتہا من کل فج ہم نظام محافل روحانیان (وہم ردیف) مجالس قدسیان اولان نادۃ اسمان نشانلربنہ نردبان متناسقہ الدرجات تعظیمات شوق آمیز و مرقات متناسبہ الاقدام تکریمات سوزانگیز بالای.
۴. بہشتانہ لباس عیدانہ اولمغلہ سزا جواہر بلند قدر تحیات متشوقانہ اعنی بہ دولتلو

1. (BOA, HAT (Hatt-e Hümayun),
No: 5/153)



- سعادتو عنایتلو کرمتلو مرحمتلو ولی النعم و کثیرالکرم افندم سلطانم حضرت تدرینین تراب اقداملرینه صدهزار عجز و قصور اظهار.
۵. و مجلس شریفلرینه لازم اکراملری بینهایه خلوص اوزره خیر دعالم و اکرام ایله سلاملاز اولنور. خدای متعال وجود شریفلرین خطا و خطرلردن مصون و محفوظ ایلیه آمین اثر ذلک بنم دولتو سعادتلو عنایتلو مروتلو مرحمتلو.
۶. ولی النعم و کثیرالکرم افندم سلطانم حضرت تدری بوندان اقدام شهر گنجه خانلغی ابا عن جدّ جدّمز اولان شیخ ضیاءالدین سلسله سنون اولاد باولاد بطناً بعد بطن او جاقلق شرط اولمغله بوندان اقدام دولت علیه عثمانیه شروان، شماخی و گنجه.
۷. و تغلیس و سائر ممالک ایرانندن بعضیسن بعون الله تعالی مالک اولوب شهرمز اولان گنجه شهرین مرحوم صارو مصطفی پاشا حضرت تدرینه احسان پادشاهی اولوب بو بنده لری دخی شوکتلو حاجتلو پادشاه عالمپناه عطالی الله دولته و ایدالسلطنته.
۸. و قهر اعدائه حضرت تدرینه ظل حمایتینده مستریح الحال صدقه پادشاه جهاندارای ایله مدارکزار اولوب دوام عمر دولتدرینه لیل و نهار دعاگوی ایکن بقضالله تعالی طهماس قولی سگ نمک طاغی اهل بغی ظهوریدوب دُرلو دُرلو.
۹. مصیبت لره گرفتار اولدیغمزدن صکره الیوم گنجه خانلغی بمشیه الله تعالی بو بنده لری اوزرینده مقرردر. لکن ایرانده شاه اولمکدن ناشی حیار فی السحار اولوب و مملکتیمیز قارص ایالتینه اقرب و متصل و حالا ارض روم تجاری ولایتیمیزه.
۱۰. ایاب و ذهاب ایتمکله اقلیم واحد عدّ اولونوب اطیعوالله و اطیعوالرسول و اولی امر منکم نصّ قاطعیله پادشاه شوکتمقرونه مطیع و منقاد و بنده اولوب خدمت علیه لرینه الی اخرالعمر خلوصانه خادم اولدوغموز معلوم دولتدری.
۱۱. بیورلدقده کرم عنایتلریندن نیاز بندگانه مز اولدرکه جوار ملسقمز اطاعتمزی بلمک ایچون برقطعه امر شریف عالی احسان همایون و بو بنده لرین مسرور و چراغ بیورمق ایچون آدممز محمد بیین قولدرین حق حکایلرینه مکتباً علی-الوجه.
۱۲. پابوسلرینه ارسال اولنمشدر انشالله تعالی لری شرف الوصل مراممز حصول پذیر اولمق ایچون امر و فرمان و لطف و احسان دولتو عنایتلو سعادتلو مروتلو مرحمتلو ولی النعم و کثیرالکرم افندم سلطانم حضرت تدریندیر.
۱۳. تحریراً فی اوائل شهر رجب المرجب لسنه خمس و ستین و مائه و الف.
۱۴. بنده.
۱۵. شاهوردی.
۱۶. خان گنجه.
۱۷. هله!





تصویر ۲

خلاصه نسخه نامه ارسالی شاهرودی خان
به دولت عثمانی^۱

۱. طرف صدراعظمی به گنجہ خانی شاهوردی خان طرفنون وارد اولان مکتوبون.
۲. خلاصہ سیدر.
۳. فی ۲۱ شوال سنہ ۱۱۶۵
۴. دولت علیہ نین ایرانیان ایله اولان مصالحتی شروطی.
۵. و حدود ایرانیہ یه تجاوز و تعدیدن گماشتگان سلطنت سنیه نین.
۶. ممنوع اولدکلری مقدماتی بسط و تمهید اولنه رق مقدا.
۷. حاجی چلپی یه و سائرلره یازلدیغی گبی خان مومی الیهه.
۸. دهی طرف چاکریدن حکیمانہ جه کاغذ تحریر وارمیسی.

1. (BOA,HAT,No:7/224)



۹. عودت اتیدرلمک مناسب ایسه امر و فرمان.
۱۰. حضرت منه له الامذکور.
۱۱. بوندن اقدم شهر گنجه خانلغی ابا عن جد جدمز اولان شیخ ضیاءالدین سلسله سندن.
۱۲. اولادبا اولاد بطناً بعد بطن او جاقلق شرط اولمغله بوندن اقدم دولت علیه.
۱۳. شروان شماخی و گنجهو تفلیس و سائر مالک ایرانندن بعضیسنه ممالک اولوب.
۱۴. شهرمز اولان گنجه شهری مرحوم صاری مصطفی پاشایه احسان اولمغله.
۱۵. بوبنده لری دخی ظل حمایت سلطنت سنیه ده مستریح البال و صدقه پادشاهییه ایله.
۱۶. مرفه الحال اولوب دعای دوام دولت علیه یه مشغول ایکن بقضائه تعالی طهماس قولی.
۱۷. ظهور ایدوب درلودر لر مصیبتلره گرفتار اولدقدن سنکر الیوم گنجه خانلغی بمشیته.
۱۸. تعالی بو بنده لری اوزرنده مقرر ورلکن ایرانندن شاه اولمامقدن ناشی حیران.
۱۹. و سرگردان اولوب و مملکتتمز قارص ایالتینه اقرب و متصل اولدیغنه بناء حالاً.
۲۰. ارضروم تجاری ولایتتمز ایاب و ذهاب ایدوب اقلیم واحد عدّ اولمغله هی.
۲۱. اطیعوالله و اطیعوالرسول و اولی الامر منکم نص قاطعیله پادشاه شوکتتمقرون.
۲۲. حضرتلرینه مطیع و منقاد و بنده الوب خدمت علیه لرینه الی اخرالعمر خالصانه.
۲۳. خادم اولدیغمز معلوم عالی بیورلدقده کرم و عنایتلریندن نیاز اولونر که جوار ملاحظتمز.
۲۴. اطاعتتمزی بیلمک ایچون برقطعه امر شریف عالی احسان همایون و بو بنده لرینی.
۲۵. مسرور و چراغ بیورلمق ایچون آدممز محمد بک ارسال اولنمشدر مراممز حصولپذیر.
۲۶. اولمق امر و فرمانلرینه منوطور.
۲۷. سره نومره سی ۷۳^۱.

منبع

تاجبخش، احمد (۱۳۶۲). *سیاست های استعماری روسیه تزاری و انگلستان و فرانسه در ایران نیمه اول قرن*

نوزدهم. تهران: اقبال.

رهربرن (۱۳۵۷). *نظام ایالات در دوره صفویه* (کیکاوس جهانداری، مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

سیوری، راجر (۱۳۸۰). *ایران عصر صفوی* (کامبیز عزیزی، مترجم). تهران:

1. (BOA,HAT,No:7/224)



صفی پور، علی (۱۳۷۷). *حکومت‌های محلی قفقاز در عصر قاجار*. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
گوگچه، جمال (۱۳۷۳). *قفقاز و سیاست امپراتوری عثمانی* (وهاب ولی، مترجم). تهران: مرکز انتشارات وزارت
امور خارجه.

لاکهارت، لارنس (۱۳۸۰). *انقراض سلسله صفوی* (اسماعیل دولتشاهی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
میرزا سمیعا، محمد سمیع (۱۳۷۸). *تذکره الملوک و سازمان اداری حکومت صفوی* (تعلیقات مینورسکی
بر تذکره الملوک). (سید محمد دبیر سیاقی، کوششگر). (مسعود رجب‌نیا، مترجم). تهران: امیرکبیر.

نقیب زاده، احمد (۱۳۸۴). *تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل*. تهران: نشر قومس.

نوابی، عبدالحسین (۱۳۷۷). *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه*. تهران: سمت.

یاغی، احمد اسماعیل (۱۳۷۹). *دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال* (رسول جعفریان، مترجم). قم:

BOA (Başbakanlık Osmanlı Arşivi), CH (Cevdet Hâriciye), No: 4546.

BOA, HAT (Hatt-ı Hümayun), No: 5/153.

BOA, HAT, No: 7/224.

BOA, HAT, No: 37263-B.

Yusuf İhsan Genç, Hacı Osman Yıldırım, Nazım Yılmaz, Mustafa Küçük, Sinan Satar,
İbrahim Karaca, (Yayına Hazırlayanlar). (2000). *Başbakanlık Osmanlı Arşivi Rehberi*. İstanbul: Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü Osmanlı Arşivi Daire
Başkanlığı Yayınları.

Çakır, Baki (2003). *Osmanlı Mukataa Sistemi (XVI-XVIII. Yüzyıl)*. İstanbul: Kitabevi
Yayınları.

Çakmak, Mehmet Ali (1996). *Hanlıklar Devrinde Azerbaycan - Türkiye Münasebetleri (1723-1829)*. Yayınlanmamış Doktora Tezi, Gazi Üniversitesi Sosyal Bilimler
Enstitüsü Genel Türk Tarihi Anabilim Dalı, Ankara.

Kılıç Orhan (2001). Ocaklık Sancakların Osmanlı Hukukunda ve İdarî Tatbikattaki Yeri.
Fırat Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi, XI/1.

_____ (2007). Ocaklık In *DİA (Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi)*.
İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları, XXXIII.

_____ (1999). Yurtluk-Ocaklık ve Hükümet Sancaklar Üzerine Bazı Tespitler. *OTAM
(Ankara Üniversitesi Osmanlı Tarihi Araştırmave Uygulama Merkezi Dergisi)*,
X.

Kemal, Gurulkan; Ali Osman, Çınar; Yusuf, İhsan; Genç, Uğurhan Demirbaş
(Hazırlayanlar). (2009). *Osmanlı Belgelerinde Karabağ*. İstanbul: Başbakanlık



Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı Yayınları.
İsmet Demir, Hacı Osman Yıldırım, Uğurhan Demirbaş, Zahit Yıldırım, Mücahit Demirel,
Hüseyin Arslan, Fuat Yavuz, Mustafa Serin, Muhittin Eliaçık (Hazırlayanlar). (1992).
**Osmanlı Devleti ile Azerbaycan Türk Hanlıkları Arasındaki Münâsebetlere
Dâir Arşiv Belgeleri: Karabağ-Şuşa, Nahçıvan, Bakü, Gence, Şirvan, Şeki, Re-
van, Kuba, Hoy (1578-1914)** (c. 1). Ankara: Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel
Müdürlüğü Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı Yayınları.
Mustafazadə, Tofiq (2002). **XVIII Yüzlük-XIX Yüzlük əvvəllərində Osmanlı-
Azərbaycan münasibətləri**. Bakı: Elm Neşriyyatı.

